

قواعد درس چهارم

عربی پایه دوازدهم ادبیات و علوم انسانی

الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ

از آنجا که (مفعول مطلق) مصدری از فعل جمله است ؛ بنابراین لازم است با
مصدرهای فعل تا حدی آشنا باشیم .

الف) مصدرهای سماعی و بی قاعده :

مصدر فعل های ثلاثی مُجرّد (فعل های گروه اول) حالت سماعی دارند و بی
قاعده اند ؛ یعنی باید یا در لغت نامه ها ببینیم یا از شخص معتبری شنیده باشیم .

ب) مصدرهای قیاسی و با قاعده :

مصدر فعل های ثلاثی مزید (فعل های گروه دوم) در وزن های کاملاً
مشخصی قرار دارد و با قاعده هستند .

الف (مصدرهای بی قاعده و سماعی :

صَبَرَ (ماضی)

يَصْبِرُ (مضارع)

صَبْرٌ (مصدر)

ذَكَرَ (ماضی)

يَذْكُرُ (مضارع)

ذِكْرٌ (مصدر)

عَرَفَ (ماضی)

يَعْرِفُ (مضارع)

مَعْرِفَةٌ (مصدر)

رَغِبَ (ماضی)

يَرْغَبُ (مضارع)

رَغْبَةٌ (مصدر)

فَتَحَ (ماضی)

يَفْتَحُ (مضارع)

فَتْحٌ (مصدر)

جَلَسَ (ماضی)

يَجْلِسُ (مضارع)

جُلُوسٌ (مصدر)

خَرَجَ (ماضی)

يَخْرُجُ (مضارع)

خُرُوجٌ (مصدر)

عَاشَ (ماضی)

يَعِيشُ (مضارع)

عَيْشٌ (مصدر)

باب افعال : أَفْعَلٌ ، يُفْعِلُ ، إِفْعَالٌ ، أَرْسَلَ ، يُرْسِلُ ، إِرْسَالٌ

باب تفعیل : فَعَّلَ ، يُفَعِّلُ ، تَفْعِيلٌ ، كَلَّمَ ، يُكَلِّمُ ، تَكْلِيمٌ

باب مفاعلة : فَاعَلَ ، يُفَاعِلُ ، مِفَاعَلَةٌ ، قَاوَمَ ، يُقَاوِمُ ، مِقَاوِمَةٌ

باب تفاعل : تَفَاعَلَ ، يَتَفَاعَلُ ، تَفَاعُلٌ ، تَظَاهَرَ ، يَتَظَاهَرُ ، تَظَاهِرٌ

باب تفعُّل : تَفَعَّلَ ، يَتَفَعَّلُ ، تَفَعُّلٌ ، تَجَمَّلَ ، يَتَجَمَّلُ ، تَجَمُّلٌ

باب انفعال : اِنْفَعَلَ ، يِنْفَعِلُ ، اِنْفِعَالٌ ، اِنكسَرَ ، يِنكسِرُ ، اِنكسَارٌ

باب افتعال : اِفْتَعَلَ ، يِفْتَعِلُ ، اِفْتِعَالٌ ، اِنْتَشَرَ ، يِنْتَشِرُ ، اِنْتِشَارٌ

باب استفعال : اِسْتَفْعَلَ ، يَسْتَفْعِلُ ، اِسْتِفْعَالٌ ، اِسْتَخْرَجَ ، يَسْتَخْرِجُ ، اِسْتِخْرَاجٌ

الف (مفعول مطلق) .

هرگاه بخواهیم یک فعل را مورد تأکید قرار دهیم «مصدر» آن را پس از فعل به شکل «منصوب» می آوریم.

نَزَلَ اللهُ القرآنَ : خداوند قرآن را نازل فرمود .

نَزَلَ اللهُ القرآنَ تنزیلاً : خداوند قرآن را یقیناً نازل فرمود .

بنابراین «مفعول مطلق» در جمله **مصدری** است **منصوب** از جنس **فعل** جمله که برای تأکید وقوع آن فعل ، پس از آن در کلام ظاهر می شود .

در **مفعول مطلق تأکیدی مصدر** به تنهایی «بدون صفت و مضاف الیه» به کار می رود.

در مفعول مطلق چند مورد اساسی وجود دارد.

مصدر بودن

منصوب بودن

از جنس فعل بودن

در معنا بر وقوع فعل تاکید کردن

۱. هرگاه در انجام فعل شک وجود داشته باشد برای برطرف کردن شک و تاکید بر انجام فعل ، مصدر آن فعل را به صورت منصوب بعد از فعل می آوریم که به چنین مصدر منصوبی «مفعول مطلق» می گویند .

به صورت یک مصدر منصوب بعد از فعلی از جنس خود برای تاکید انجام فعل می آید.

❖ «يَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي دَرُوسِهِ اجْتِهَاداً»

❖ به «اجْتِهَاداً» که مصدری از جنس فعل «يَجْتَهِدُ» است ، مفعول

تاکیدی می گویند . در این حالت مصدر ترجمه نمی شود بلکه فعل به

همراه قید هایی نظیر «حتماً ، یقیناً ، قطعاً ، بدون شک ، به

راستی» ترجمه می شود. بنابراین ترجمه مذکور اینگونه است

«دانش آموز در درس هایش قطعاً تلاش می کند.»

مفعول مطلق تاکیدی آن است که بعد از آن ، صفت یا مضاف الیه نیامده

باشد مثل أَكْرَمُ الضِّيُوفِ إِكْرَاماً .

مفعول مطلق نوعی «بیانی»:

در مفعول مطلق تاکیدی وقوع فعل مورد تاکید قرار گرفته است اما آیا می توانیم کیفیت و چگونگی وقوع افعال را نیز در جملات نشان دهیم؟!

نتیجه : گاهی مفعول مطلق به کمک کلمه ای بعد از خود که به صورت «صفت» یا «مضاف الیه» است می آید و نوع و کیفیت انجام فعل را بیان می کند که به این نوع مفعول مطلق «مفعول مطلق نوعی» یا «مفعول مطلق بیانی» می گویند.

➤ در مفعول مطلق نوعی مصدر به همراه «صفت یا مضاف الیه» می آید.

❖ **قَرَأَ** الطالبُ الدرسَ **قِرَاءَةً** **صَحِيحَةً** :

❖ دانش آموز درس را **صَحِيح** خواند .

در این مثال کلمه «**قِرَاءَةً**» **مصدری منصوب** از جنس **فعل** «**قَرَأَ**» است که بعدش «**صَحِيحَةً**» به عنوان **صفت** آمده تا **کیفیت قرائت بیان** شود . در این حالت نیز **مصدر** ترجمه نمی شود بلکه «**صفت**» به همراه **فعل** ترجمه می شود .

يَجْتَهِدُ الطالبُ في دروسه **اجتهاداً** **بالغاً** :

دانش آموز در درس هایش **بسیار** تلاش می کند .

أَكْرَمُوا الضيوفَ **إكراماً** **بالغاً**

يَجْتَهِدُ الطالبُ في دروسه اجتهادَ الآملينَ :

دانش آموز در درس هایش هم چون امیدواران تلاش می کند .

❖ يُجَاهِدُ المؤمنُ في سبيلِ اللهِ جهادَ الأبطالِ :

❖ مؤمن در راه خدا همچون قهرمانان جهاد می کند .

أَكْرَمُوا الضَّيُوفَ إِكْرَامَ الأخِ

«جهاد» مصدری است **منصوب** از جنس **فعل** «يُجَاهِدُ» که با اضافه شدن به

«الأبطال=مضاف الیه» **نوع مجاهدت** مشخص شده است . در چنین حالتی **مصدر** ترجمه نمی شود بلکه مضاف الیه به همراه کلماتی نظیر «هم چون ، مثل ، مانند» ترجمه می شود.

➤ **مفعول مطلق** برای تاکید ، برطرف کردن شک یا کیفیت وقوع فعل به کار می رود بنابراین اگر سؤال کنکور به شکل های زیر آمده بود ، منظور سؤال ، **مفعول مطلق** است.

➤ **عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي**

❖ عَيْنٌ مَا يُوَكِّدُ عَلَى وَقُوعِ الْفِعْلِ ، عَيْنٌ مَا فِيهِ تَاكِيدٌ لِّلْفِعْلِ ،

❖ عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ التَّأَكِيدُ عَلَى وَقُوعِ الْفِعْلِ

❖ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي تَدُلُّ عَلَى تَاكِيدِ الْفِعْلِ ،

❖ لَمَّا نَشَكُّ فِي وَقُوعِ الْفِعْلِ ، يُقَالُ ... «مَفْعُولٌ مَطْلُوقٌ تَاكِيدِي»

عَيْنٌ مَا يَبِينُ كَيْفِيَّتَهُ وَقُوعِ الْفِعْلِ «مَفْعُولٌ مَطْلُوقٌ نَوْعِي»

عَيْنٌ «صَبْرًا» جَاءَ لِبَيَانِ نَوْعِ الْفِعْلِ

➤ توجه داشته باشید که گاهی بعد از **مفعول مطلق نوعی** ، صفت به صورت جمله «جمله وصفیه» می آید

أَمِنْتُ بِرَبِّي **إِيمَانًا لَا يَزُولُ عَنِّي** «جمله وصفیه» ،

خاف الرجلُ مِنَ الذنوبِ **خَوْفًا مَنَعَهُ** «جمله وصفیه» أن يرتكبها.

➤ جمله وصفیه نمی تواند با «**فِي** ، **و** ، **كَلِمَةٍ** پرسشی» شروع شود بنابراین اگر بعد **مفعول مطلق** جمله ای بیاید که با کلمات مذکور شروع شده باشد از **نوع مفعول مطلق تاکیدی** است.

❖ مانند : **تَكَلَّمَ** المعلمُ عن ذكريّاته **تَكَلِّمًا** «مفعول مطلق تاکیدی» **فِاسْتَمَعْنَا** إِلَيْهِ .

الف) اعین ما ليس فيه **المفعول المطلق** .

لجنودٌ يهاجمونَ الأعداءَ **مُهَاجِمَةً** (ب) صلّوا عليه و **سلّموا تسليماً**

ج) **تعلّم** زملائي الدرسَ **تعلّماً** (د) قد أنزل اللهُ إليكم **ذِكْراً**

➤ **مفعول مطلق** ، **مصدر** است لذا اسم های مانند اسم فاعل یا اسم مفعول یا وزن های مانند فاعیل ، فَعْل ، فَعِل و ... نمی تواند **مفعول مطلق** واقع شوند.

۱) **إِجْعَلْ فِي الْفِرَاحِ الْمَفْعُولَ الْمَطْلُوقَ** : «أَنْتَ الَّذِي **قَدَّرْتَ** كُلَّ شَيْءٍ ...»

الف) قادراً (ب) مُقَدِّراً (ج) قَدِيراً (د) تَقْدِيراً

➤ **مفعول مطلق** معمولاً «ال» نمی گیرد و غالباً **منصوب با تنوین «ـَ»** می باشد به جز زمانی که مضاف واقع شده باشد .

۱) **عَيْنَ الصَّاحِحِ لِلْفِرَاحِ لِإِيجَادِ اسْلُوبِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ** : «هُمُ **يُحْسِنُونَ** إِلَى الْفُقَرَاءِ
الصَّادِقِينَ»

الف) إحساناً (ب) الإِحْسَانِ (ج) إِحْسَانٍ (د) إِحْسَانِ

النصر حلیفکم

علی عابدی

دیپر عربی هاشمی نژاد یک (تیز هوشان) مشهد